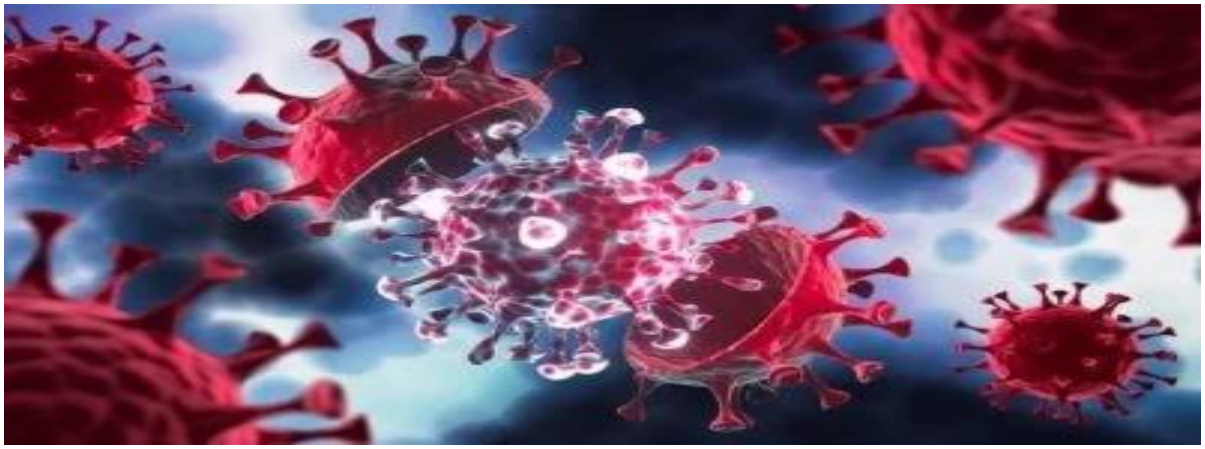
نویسنده : هوسیین ودینالی «Huseyin Vodinali».
منبع وتاریخ نشر : گلوبال ریسرچ «2026-10-24».
برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل»

آیا سرطان شبیه یک بیماری انگلی(پرازیتی) است؟

Does Cancer Resemble a Parasitic Disease?



First published on September 15, 2026

افزایش شدید موارد ابتلا به سرطان‌های «توربو» (بسیار تهاجمی) در دوران پس از کووید-۱۹ و واکسن‌های mRNA، بحث‌هایی را برانگیخته است. در حالی که روش‌های درمان سرطان در آمریکا و اروپا بر رژیم‌های شیمی‌درمانی گران‌قیمت و اغلب بی‌نتیجه متکی هستند، به طور فزاینده‌ای ادعاهایی مطرح می‌شود مبنی بر اینکه داروهای ارزان قیمت و مؤثری— ما نند «ایورمکتین» (Ivermectin) و « فن بندازول » (Fenbendazole)—می توانند بیماران مبتلا به سرطان‌های پیشرفته را درمان کنند.

ایورمکتین در افکار عمومی بیشتر به عنوان داروی ضد انگل اسب، و فن‌بندازول به عنوان داروی ضد انگل سگ شناخته می‌شوند.

با این حال، واقعیت تا حدودی متفاوت است.

ایورمکتین یک داروی ضد انگل (ضد کرم) قوی ا ست که برای درمان عفونت‌های انگلی هم در انسان و هم در حیوانات استفاده می‌شود.

ماجرای ایورمکتین نه در آزمایشگاه یک شرکت داروسازی، بلکه در خاکِ نزدیکیِ یک زمین گلف در استان شیزوئوکای ژاپن آغا ز شد . در دهه ۱۹۷۰ ، ساتوشی اومورا، میکروبیولوژیست ژاپنی، هنگام بررسی میکروارگانیسم‌های موجود در خاک، گونه‌ای باکتریایی را کشف کرد که پیش از آن نا شناخته بود : *استرپتومایسس آورمیتلیس* (*Streptomyces avermitilis*).

ترکیبات تولیدشده توسط این باکتری، اثر فلج کننده چشمگیری بر انگل‌ها داشتند. اومورا نمونه‌های خود را برای ویلیام سی. کمپبل، انگل‌شناس آمریکایی، فرستاد. کمپبل و تیمش این ترکیب را اصلاح کردند و ابتدا «آورمکتین» (Avermectin) و سپس شکل ایمن‌تر و مؤثرتری از آن به نام «ایورمکتین» را توسعه دادند . این دارو در دهه ۱۹۷۰ توسط شرکت «مرک» (Merck) به عنوان یک داروی ضد انگل به بازار عرضه شد.

نتیجه این کار، یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای بهداشت عمومی در تاریخ پزشکی بود. بیماری «کوری رودخانه‌ای» (انکوسرکیازیس) — که باعث نابینایی میلیون‌ها نفر در آفریقا و آمریکای لاتین می‌شد — و بیماری «فیل اریا زیس لنفاوی » (که منجر به ناتوانی‌های شدید می‌گردید) تا حد زیادی تحت کنترل درآمدند . اومورا و کمپبل در سا ل ۲۰۱۵ به طور مشترک برنده جایزه نوبل پزشکی شد ند. ادعاهای مربوط به درمان سرطان توسط ایورمکتین، نخستین بار پس از مصاحبه‌ای با مل گیبسون مورد توجه عموم قرار گرفت.

این دارو بعدها در دوران همه‌گیری کووید-۱۹ نیز توجه زیادی را به خود جلب کرد، چرا که مشخص شد می‌تواند روند بهبودی را تسریع کند. با این حال، ایورمکتین همواره از سوی جریان اصلی پزشکی و رسانه‌ها—به‌ویژه در ایالات متحده— مورد انتقاد شدید قرار گرفته و رد شده است. استفاده از ایورمکتین به عنوان یک درمان سیستمیک برای سرطان، توسط دکتر ویلیام ماکیس، متخصص کانادایی پزشکی هسته‌ای، پایه‌گذاری شد. دکتر ماکیس در جریان درمان بیماران مبتلا به سرطان در مراحل پایانی —که در استان آلبرتا به خانه فرستاده شده بودند— از پروتکلی استفاده کرد که خود ابداع کرده بود؛ این پروتکل شامل ایورمکتین، فنبندازول و مبندازول (به‌همراه دوز بالای ویتامین C و سایر مکمل‌ها) بود. در سیستمی که تحت سلطه شرکت‌های بزرگ داروسازی قرار دارد، به دکتر ماکیس برچسب «طبیب‌نما» (شیاد) زده شد و از ادامه طبابت او در کانادا جلوگیری به عمل آمد.

متعاقباً، ماکیس کار خود را درفلوریدا، ایالات متحده، ادامه داد.

دکتر ویلیام ماکیس اظهار می‌کند که در نهایت می‌تواند پدیده‌ای را که در طول تحقیقات سرطان خود مشاهده کرده است ، اثبات کند: این واقعیت که بسیاری از انواع مختلف سرطان ممکن است به ایورمکتین پاسخ دهند.

استدلال ماکیس به عاملی بستگی دارد که او آن را بسیار مهم می‌داند: سلول‌های بنیادی سرطانی.

به گفته او،درحالی که شیمی‌درمانی مرسوم می‌تواند تعداد زیادی ازسلول‌های سرطانی با تقسیم سریع را از بین ببرد، ممکن است سلول‌های بنیادی سرطانی را باقی بگذارد که به دلیل سرعت تکثیر کمتر، می‌توانند مقاوم‌تر باشند.

ماکیس ادعا می‌کند که این سلول‌های باقی‌مانده می‌توانند منجر به عود بیماری و متاستاز شوند.

دقیقاً درهمین برهه است که او معتقد است که ایورمکتین می‌تواند نقش متمایزی ایفا کند.

ماکیس تحقیقاتی را برجسته می کند که مکانیسم‌های مختلف بالقوه ضد سرطانی ایورمکتین، از جمله اثرات آن بر سلول‌های بنیادی سرطانی را آشکار می‌کند. او معتقد است که استفاده از ایورمکتین در کنار درمان مرسوم (شیمی درمانی) می‌تواند جمعیت سلول‌های سرطانی را که شیمی‌درمانی نمی‌تواند به طور مؤثرازبین ببرد، هدف قرار دهد.

او همچنین معتقد ا ست که مبندازول می تواند در آینده در این استراتژی نقشی داشته باشد. این موضوع راه را برای مهم‌ترین ادعای او هموار می‌کند : اگر تحقیقات آینده یک مزیت بالینی معنادار را تأیید کند، ترکیب داروهای تغییر کاربری داده شده با درمان‌های موجود سرطان می‌تواند رویکرد برخی از سرطان‌های پیشرفته را از صرفاً تسکین‌دهنده (تسکین‌دهنده علائم) به درمانی تغییر دهد.

با این حال،این هنوزیک نتیجه بالینی تأیید شده نیست؛وصرفاًیک فرضیه باقی مانده است.

دلیل این امر آن است که نهاد پزشکی جریان اصلی بیش از 30 سا ل ا ست که اجازه آزمایش‌های انسانی ایورمکتین را نداده است. سپس فقدان مطالعات انسانی به عنوان دلیل جلوگیری از استفاده از این دارو ذکر می‌شود.

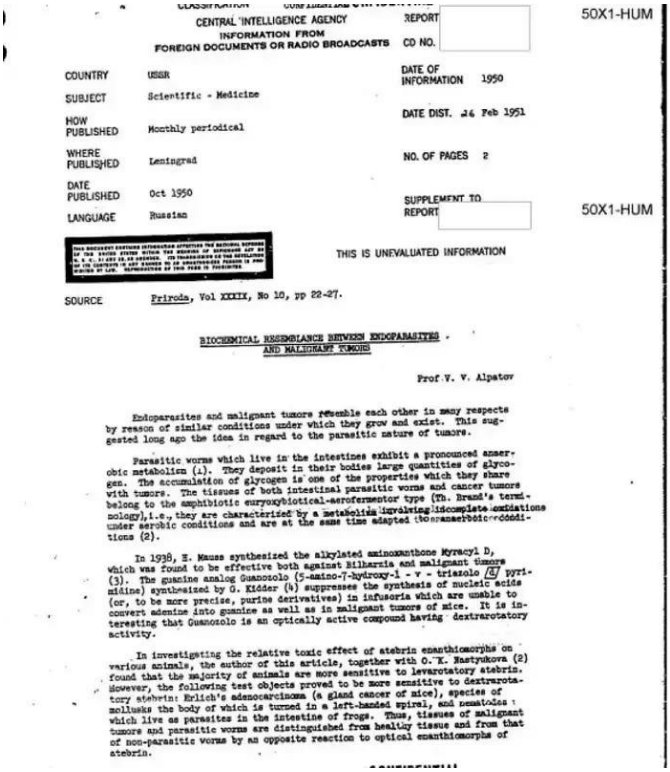
خوب، اگر تمام سیستم بهداشتی سرمایه داری انتفاعی - که تمام بودجه‌های اصلی را کنترل می‌کند - تحقیقات در این زمینه را مسدود کند، طبیعتاً هیچ مطالعه انسانی انجام نمی‌شود!

این یک دور باطل کامل است.

با این حال، ماکیس موارد بهبودی را در وبلاگ و حساب‌های رسانه‌های اجتماعی خود به اشتراک می‌گذارد – مانند یک بیمار مرد 59 ساله آمریکایی که سرطان لوزالمعده مرحله چهار را شکست می‌دهد یا یک بیمار زن 73 ساله ترک که از سرطان سینه مرحله چهار بهبود می‌یابد. ماکیس ادعا می‌کند که سیستم نظارتی، دانشگاه‌هایی که توسط منافع ثروتمندان تأمین مالی می‌شوند و شرکت‌های دارو سازی غول پیکر برای محافظت از صنعت سرطان که حجم سالانه آن ۲۳۳ میلیارد دلار است، به مردم دروغ می‌گویند.

ماکیس با این استدلال که این سیستم اکنون فروپاشیده است، ادامه می‌دهد:

«در حال حاضر هفت آزمایش بالینی (شامل سوژه‌های انسانی) در حال بررسی استفاده از ایورمکتین برای سرطان هستند؛ یکی در کالیفرنیا (NCT05318469) در حال انجام است، در حالی که شش آزمایش در فلوریدا (از جمله NCT07487805) در حال انجام است. این امر ایورمکتین را به یکی از هیجان انگیزترین و فعال ترین رویکردهای تحقیقاتی در زمینه سرطان امروز تبدیل می‌کند - بسیار جذاب‌تر از هر مطالعه ای که در حال حاضر در انکولوژی جریان اصلی در حال انجام است. همچنین پنج آزمایش بالینی وجود دارد که استفاده از مبندازول (که تقریباً مشابه فنبندازول است) را برای سرطان بررسی می‌کند. این مطالعات شامل دو مطالعه انجام شده توسط جان هاپکینز و همچنین تحقیقات مراکز بین‌المللی در سوئد، مصر و هند است.



CENTRAL INTELLIGENCE AGENCY
INFORMATION FROM
FOREIGN DOCUMENTS OR RADIO BROADCASTS

REPORT
CD NO.

50X1-HUM

COUNTRY USSR
SUBJECT Scientific - Medicine
HOW PUBLISHED Monthly periodical
WHERE PUBLISHED Leningrad
DATE PUBLISHED Oct 1950
LANGUAGE Russian

DATE OF INFORMATION 1950
DATE DIST. 26 Feb 1951
NO. OF PAGES 2
SUPPLEMENT TO REPORT

50X1-HUM

THIS IS UNEVALUATED INFORMATION

SOURCE Priroda, Vol XXXIX, No 10, pp 22-27.

BIOCHEMICAL RESEMBLANCE BETWEEN ENDOPARASITES AND MALIGNANT TUMORS

Prof V. V. Alpatov

Endoparasites and malignant tumors resemble each other in many respects by reason of similar conditions under which they grow and exist. This suggested long ago the idea in regard to the parasitic nature of tumors.

Parasitic worms which live in the intestines exhibit a pronounced anaerobic metabolism (1). They deposit in their bodies large quantities of glycogen. The accumulation of glycogen is one of the properties which they share with tumors. The tissues of both intestinal parasitic worms and cancer tumors belong to the amphibiotic euryoxybiotical-aerofermentor type (Th. Brand's terminology), i.e., they are characterized by a metabolism involving incomplete oxidations under aerobic conditions and are at the same time adapted to anaerobic conditions (2).

In 1938, H. Mauss synthesized the alkylated aminoxanthone Myracyl D, which was found to be effective both against Bilharzia and malignant tumors (3). The guanine analog Guanozolo (5-amino-7-hydroxy-1 - v - triazolo [d] pyrimidine) synthesized by G. Kidder (4) suppresses the synthesis of nucleic acids (or, to be more precise, purine derivatives) in infusoria which are unable to convert adenine into guanine as well as in malignant tumors of mice. It is interesting that Guanozolo is an optically active compound having dextrarotatory activity.

In investigating the relative toxic effect of atebrin enanthiomorphs on various animals, the author of this article, together with O. K. Nastyukova (2) found that the majority of animals are more sensitive to levarotatory atebrin. However, the following test objects proved to be more sensitive to dextrarotatory atebrin: Ehrlich's adenocarcinoma (a gland cancer of mice), species of mollusks the body of which is turned in a left-handed spiral, and nematodes which live as parasites in the intestine of frogs. Thus, tissues of malignant tumors and parasitic worms are distinguished from healthy tissue and from that of non-parasitic worms by an opposite reaction to optical enanthiomorphs of atebrin.

CONFIDENTIAL

CONFIDENTIAL

50X1-HU

There are reasons to believe that the specific biological characteristics of malignant tumor tissue and parasites comprise the following elements: (1) presence of specific antigens in both malignant tissue and parasites; (2) optical inversion of the receptors of certain optically active compounds such as atebrin; and (3) peculiarities of purine metabolism in malignant tissue which are connected with the synthesis of nucleic acids, and subsequently, of nucleoproteins that are important constituents of cell nuclei. One may assume that malignancy is closely connected with alterations of the chemical properties of protoplasm, specific properties of enzymes, and possibly peculiarities of the protein carriers of enzymes.

Under the circumstances, recent work on proteins of malignant tumors which is being carried out in the USSR (5, 6, 7) assumes particular importance.

BIBLIOGRAPHY

1. V. V. Alpatov and O. K. Nastyukova, DAN SSSR, Vol LIX, No 6, 1948.
2. V. V. Alpatov and O. K. Nastyukova, Byulleten' Moskovskogo Obshchestva Ispytatiye Prirody, No 6, 1947.
3. O. Hackmann, H. Goennert, and H. Mauss, Naturwissenschaften, No 1, 29, 1949.
4. G. Kidder, et al, Nature, Vol CIX, p 511, [illegible], 1949
5. B. I. Zharskiy, Vrachebnoye Delo, No 2-3, 1947.
6. I. B. Zharskiy, Uspekhi Sovremennoy Biologii, Vol XXII, 219, 1946.
7. V. Orekhovich, Biokhimiya, No 5, 1940

- E N D -

کشف شباهت میان سرطان و انگل‌ها به دوران اتحاد جماهیر شوروی بازمی‌گردد.

*در سال ۱۹۴۶، دو دانشمند به نام‌های نینا کلیووا و گریگوری روسکین (که زن و شوهر بودند) مشاهده کردند که سرمی برگرفته از انگل *تریپانوز وما کروزی* (*Trypanosoma cruzi*)، تومورها را در بدن موش‌ها از بین می‌برد. این دارو بر اساس حروف اول نام آن‌ها، «فرآورده KR» نام‌گذاری شد. (منبع: *درمان:*

داستانی از سرطان و سیاست در دوران جنگ سرد – اثر نیکولای کرمنتسوف) آزمایش‌های پیش‌بالینی نشان می‌داد که این ماده — که به دلیل حروف اول نام سازندگانش KR نامیده می‌شد — ممکن است در انسان‌ها نیز مؤثر باشد. توجه شدید رسانه‌ها به KR باعث شد سفیر ایالات متحده در اتحاد جماهیر شوروی، خواستار همکاری آمریکا و شوروی برای توسعه این درمان احتمالی شود. با این حال، تشدید جنگ سرد باعث شد این علاقه از سوی طرف آمریکایی، به شمشیری دو لبه تبدیل شود.*

اگرچه این توجه به کلیووا و روسکین امکان داد تا حمایت‌های پژوهشی قابل‌توجهی از سوی رهبران شوروی — از جمله استالین — دریافت کنند، اما همزمان آن‌ها را به کانون درگیری‌های ایدئولوژیک میان ابرقدرت‌ها کشاند. این زوج که به افشای «اسرار دولتی» برای آمریکا متهم شده بودند، در یک «دادگاه نمایشی» محاکمه شدند؛ حتی در آثار تئاتری و سینمایی شوروی نیز از «گناهان ضد میهنی» آن‌ها انتقاد و آن را محکوم کردند.

کلیووا و روسکین با بهره‌گیری از شهرت تازه‌یا فته‌شان برای جذ ب بودجه بیشتر، به تحقیقات خود ادامه دادند؛ اما همکاران حسودشان اعتبار علمی آن‌ها را زیر سؤال بردند و کنترل مؤسسات پژوهشی‌شان را به دست گرفتند. تحقیقات روی KR برای سال‌ها متوقف ماند و پس از مرگ کلیووا و روسکین، به‌طور کامل به پایان رسید.

سند سیا (CIA): آیا سرطان یک بیماری انگلی است؟

سندی متعلق به سازمان سیا (CIA) مربوط به سال ۱۹۵۱ — که در سال ۲۰۱۱ از حالت محرمانه خارج شد — نشان می‌دهد که دانشمندان شوروی (احتمالاً همان کلیووا و روسکین)... حاوی چکیده‌ای از یک مقاله علمی بوده‌اند که شباهت‌های میان کرم‌های انگلی و تومورهای سرطانی را بررسی می‌کرده است.

افشای پرونده محرمانه سرطان در سازمان سیا! / کشف ۷۵ سال پیشِ پروفسور آلپاتوفِ شوروی درباره «انگل‌ها»: آیا سلول‌های سرطانی مانند انگل‌ها تغذیه می‌کنند؟ / اخبار جهان بر اساس این گزارش، پژوهشگران مطرح کردند که هر دو ساختار تحت شرایط متابولیک مشابهی شکل می‌گیرند و مقادیر زیادی گلیکوژن — که نوعی ذخیره انرژی است — در خود انباشته می‌کنند.

در دوران جنگ سرد، رصدِ مداومِ پژوهش‌های علمی خارجی توسط سازمان سیا (CIA)، یک فعالیت اطلاعاتی استاندارد محسوب می‌شد.

عبارت «این اطلاعات ارزیابی نشده است» به وضوح در بالای سند به چشم می‌خورد. این عبارت نشان می‌دهد که سازمان سیا یافته‌های موجود در آن سند را تأیید یا تصد یق نکرده است.

نویسنده این مقاله، پروفسور «و. و. آلپاتوف» بود که اثر خود را در سال ۱۹۵۰ در نشریه‌ای به نام *پریرودا* (Priroda) که در لنینگراد منتشر می شد ، به چاپ رساند. آلپاتوف استدلال کرد که انگل‌های داخلی (اندوپارازیت‌ها) که درون بدن میزبان زندگی می‌کنند و تومورهای بدخیم، دارای پروفایل متابولیک مشا بهی هستند ؛ امری که به وجود نوعی خویشاوندی بیولوژیکی احتمالی اشاره دارد. یکی از موادی که در گزارش سازمان سیا به آن اشاره شده، دارویی به نام «مایراسیل دی » (Myracyl D) ا ست که در سال ۱۹۳۸ توسط شیمی‌دان آلمانی، «ه. ماوس»، ابداع شد . این ترکیب در درما ن بیماری «بیلهارزیا» (یک بیماری انگلی) مؤثر بود و طبق پژوهش‌های شوروی، تأثیراتی نیز بر تومورها نشان داده بود.

دکتر توماس سایفرید، زیست‌شناس حوزه سرطان در کالج بوستون ، معتقد ا ست که انگل‌ها و سلول‌های سرطانی در برخی مسیرهای تولید انرژی با یکدیگر مشترک هستند؛ به همین دلیل است که داروهای ضد انگل گاهی می‌توانند بر تومورها نیز تأثیر بگذارند.

به نظر می‌رسد درست همان‌طور که روش «رویال ریموند رایف» در دهه ۱۹۲۰ برای نابودی سرطان از طریق تکنیک‌های تشدید (رزونانس) ـــ که با استفاده از «میکروسکوپ ابر-ویروس» او انجام می‌شد ـــ توسط تشکیلات پزشکیِ سودجوی ِ «راکفلر» تهدید شد ـــ داروهایی نظیر «ایورمکتین» و «فن‌بندازول» (که هزینه سالانه آن‌ها بین ۲۰۰ تا ۲۰۰۰ دلار است) نیز توسط این صنعت به‌عنوان تهدید دیده شده و متعاقباً سرکوب شدند.

علاوه بر انگیزه کسب سود، در سال ۲۰۱۹، کووید-۱۹ ... طرح «کاهش جمعیت جهان» که برملا شده است، گواه دیگری بر بی‌رحمیِ سرمایه‌داران است. اگر کوبا ـــ کشوری که زیر بار تحریم‌ها کمر خم کرده و حتی با قطعی برق دست‌وپنج نرم می‌کند ـــ توانسته است در طول ۳۰ سال گذشته واکسن‌ها و داروهایی برای سرطان تولید کند، یقین دارم که اگر اتحاد جماهیر شوروی فرو نپاشیده بود، درمان قطعی سرطان پیدا می‌شد.

و البته، پسر فرشته‌خوی من «تان» ـــ که پیش از رسیدن به دوازده‌سالگی این دنیا را ترک کرد ـــ امروز زنده بود.

سطری چند درمورد نویسنده این مقاله:

حسین وودینالی بین سال‌های{ ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۴}، مدرک کارشناسی ارشد (MA) خود را در رشته روزنامه‌نگاری و تولید تلویزیونی از «موسسه فناوری نیویورک» در ایالات متحده دریافت کرد. در همان دوره، به عنوان خبرنگار خبرگزاری آناتولی و سازمان رادیو و تلویزیون ترکیه (TRT) در نیویورک و سازمان ملل متحد فعالیت می‌کرد. او از سال ۱۹۹۵ به عنوان خبرنگار حوزه دیپلماسی و دفاع در شبکه‌های تلویزیونی سراسری ترکیه مشغول به کار شد. وی همچنین سمت مدیر اخبار خارجی در TRT (رسانه دولتی/عمومی ترکیه) را بر عهده داشت و در سال ۲۰۲۰ از این سازمان بازنشسته شد. او همچنان به‌طور مرتب مقالاتی با موضوعات ژئوپلیتیک در وب سایت‌های خبری و تحلیلی «Veryansıntv.com» و «Dağarcık Turkiye» منتشر می‌کند . وودینالی نویسنده سه کتاب به زبان ترکی است: «کووید-۱۹: فراتر از یک ویروس»، «نا تو به مثابه یک سازمان قیمومتی» و «رسوایی اپستین: باجگیری جهانی موساد». او همچنین از نویسندگان ثابت وب‌سایت «گلوبال ریسرچ» (Global Research) است.

---------- با تقدیم احترام«2026-10-27